

راهی که ایران میرود بویرانی است

احساسات و آشفته‌گی احوال در تهران چنان است که مستر مورین بیش از آنچه روز سه شنبه با اطمینان بصحت و درستی آن در مجلس عوام گفت نمیتوانست بگوید. چون ایران تهدید کرده است که اموال شرکت را بی مقدمه و تشریفات از چنگش بیرون میآورد. مورین بحق گفت که فشار و جبر هیچگونه مذاکره صورت نخواهد گرفت. با علم باینکه در تهران قدرت در دست افراتیانی است که هموطنان خویش را گمراه و مرعوب ساخته اند مورین کلام خود را تا بدانجا رسانید که حکومت انگلیس بی نهایت مایل است از راه مذاکره و سازش موضوع را فیصله دهد.

شاید هم بیجا نبود اگر قدری محکمتر صحبت میکرد و اشاره مینمود که شرکت ودولت انگلیس هنوز هم تیرهائی در ترکش دارند اما آتش ملبون ایران تیز تر میشد. تنها امیدی که باقی مانده است، هر چند که امید بی بسیار ضعیف است، اینکه عواقب آنچه دکتر مصدق در باب ایران کرده است ب مردم کشور آشکار گردد و قبل از آنکه با آن عواقب روبرو گردند آتششان سرد شود.

موضوع جدی است و انگلیس و امریکا باید بیش از پیش باین مسأله توجه نمایند. تا چند روز دیگر باید معلوم شود که ایرانیان پس از ملی کردن صنعت نفت بقوه قهریه یا تهدید با اعمال قوه قهریه شرکت نفت را از انجام دادن کار خطیری که اهمیت بین المللی دارد محروم خواهند ساخت یا نه.

سرعت سیر حوادث، شرکت نفت و دولت انگلیس و افکار عامه دو کشور را غافلگیر کرده است. در پانزده مارس مجلس شوری سپس مجلس سنا با توافق آراء با ملی کردن صنعت نفت موافقت نمودند و هیئتی را برای مطالعه راه و رسم اجرای آن برگزیدند. قبل از اینکه هیأت نتیجه مطالعات را گزارش کند ملیون افراطی زمام قدرت را بقهر بکف گرفتند. سپس بی هیچ اندیشه و پیش از آنکه مباحثه ای بعمل آید مجلسین با توافق آراء با تصمیم ملیون بملی شدن صنعت نفت موافقت و پیشنهاد کردند که هیأتی مرکب از پانزده تن فوراً امور «شرکت سابق» را بعهده بگیرد.

تازه روز پنجشنبه ۲۶ آوریل اعتصاب سیزده روزه کارگران تصفیه خانه آبادان و چاه های نفت خاتمه پذیرفت.

حسین علاء نخست وزیر موقع را مناسب دید که برای پیدا کردن راه حل ملی راجع بملی شدن صنعت نفت با سرفرانسیس شررد سفیر کبیر بریتانیا مذاکره نماید. چنین معلوم

میشود که او با راه حلی نزدیک بآنچه مجله اکونومیست در شماره ۲۱ آوریل پیشنهاد کرده بود، و چون پرسخاوت‌مندانه بود همه اعضای هیأت مدیره شرکت تن قبول آن نمیدادند، نظر موافق داشت.

پیشنهاد این بود که شرکتی تازه و تمام ایرانی تأسیس شود و صاحب همه اراضی نفت خیز فعلی گردد، و چاه‌های نفت و عملیات آن و مراکز فروش داخلی و لوله‌های نفت را هم بخود تخصیص دهد، و فقط امر تصفیه و فروش نفت در خارج کشور بآن محول گردد یعنی امور ضروری بین‌المللی را شرکت اداره کند.

بدین طریق درآمد ایران آنچنانکه امروز هست منحصر بدریافت حق امتیاز نخواهد بود بلکه درآمدش از فروش نفت ملی بشرکت نفت انگلیس و ایران خواهد بود. اما نه شرکت پیشنهادی ما، چنین سرمایه‌ای داشت که بتواند خسارت شرکت فعلی را از لاف امتیاز و قیمت دستگاه‌ها که سیصد میلیون لیره بالغ میشود بپردازد نه حکومت ایران^۱. چنین پیش‌بینی شد که ایران بجای این مبلغ در ظرف چهل واند سال از راه تحویل نفت بدهی خود را مستهلك بسازد و انگلیسهائی که درین رشته ورزیده شده‌اند تا مدت استهلاك مبلغ در خدمت شرکت جدید بمانند و بکار خود ادامه دهند^۲. این راه حل، هم آرزوهای ملی را برآورده می‌کرد، هم در عمل صنعت نفت وقفه حاصل نمیشد، هم برعایدات ایران میافزود، و هم بایرانیان میدان میداد که در اداره کردن امور نفت کشور خویش دیمدخل باشند.



درحین که درین باب بحث میرفت رادیو آذربایجان بدمدمه سویت که بی شک از پایان یافتن اعتصاب و برقراری آرامش و بازگشت اوضاع درآبادان و اراضی نفت خیز بحال عادی، وحشت زده شده بود^۳ بصد دکتر مصدق پیشوای ملیون، که سابقاً از او حمایت میکرد، دست به تبلیغات شدید زد و او را متهم کرد باینکه بمنافع ملت خیانت ورزیده و از حکومت علا که عامل دول مستعمره ایست پشتیبانی کرده است.

حسین علا که اصلاً نمیخواست نخست وزیر بشود بعلت اینکه کمیسیون نفت بسا اشاره دکتر مصدق با پیشنهادهای او روی موافق نشان نداد از کار کناره گرفت. کمیسیون فوراً دکتر مصدق را نامزد مقام نخست وزیری کرد. این پیشنهاد ایرانیاتی را که نه مسؤولیت میدانند و نه بعواقب امور مینگرند چند ساعتی مات و مبهوت کرد چه همه کس میدانست که پیشوای ملی هیچ نقشه‌ای ندارد و جز ملی کردن سریع صنعت نفت نقشه‌ای هم نمیخواهد داشته باشد^۴.

دکتر محمد مصدق که ملاکی است ثروتمند، درس خوانده و سنش از هفتاد در گذشته

- ۱ - ایران بیش از میلیتی که شرکت سابق دعوی خسارت می‌کند طلبکار است و وقتی بحساب ها رسیدگی شود دقیقاً معلوم خواهد شد.
- ۲ - آیا غیر از انگلیسها افراد ملت‌های دیگر در کار استخراج نفت ورزیدگی ندارند؟
- ۳ - اعتصاب بتحریک عوامل شرکت سابق نفت ایجاد شد و هم بمیل خودشان خاتمه یافت، در اینجا فقط قسمت دوم را اعتراف دارند.
- ۴ - چه نقشه‌ای از ملی کردن صنعت نفت عالی تر و مفیدتر؟

جمعی را دور خود گرد آورده که همش همه مصروف ملی کردن صنعت نفت یا عبارت دیگر خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران است. دکتر از نفرت شدید و تند و تیزی که نسبت به بیگانگان دارد معتقد شده است^۴ که فقر و بیچارگی میلیونها ایرانی همه ازین است که تنها صنعت بزرگ آنها بدست خارجیان افتاده است. این موضوع وقتی با وعده باینکه بعضی اخراج بیگانگان و اجرای طرحش ایرانیان صاحب چیز میشوند توأم گردد عوام تهران همه بهمبستگی او برمیخیزند^۴. مردم زندگی خوش کارگران تصفیه خانه و کارگران نفت را ندیده اند، و اگر هم میدیدند درین مردم بقرار دمدمی مزاج سست عقیده^۴ اثری نداشت. از مردم مریض و ذلیل حکم اقویاً انتظار تعقل و تفکر نمیتوان داشت و دکتر درس خوانده هم زحمت فکر کردن را بر خود هموار نساخته است. با همه اینها دکتر انکار ندارد که فعلاً همان نقشه حزب توده را بعینها دنبال میکند. حتی معترف است که قومیت طلبی افراطی جناح راست کمونیستها را مدد میکند. در همان حال هم مدعی است که چون شیر بریتانیا را از جنوب بیرون راند در سمت شمال هم از جنگ خرس روسی میتواند بدرورد.

اگر دکتر مصدق خرف و کند فهم است^۵ لا اقل بمعتقدات خویش پای بند است اما متأسفانه مشتی جنایتکار و متعصبان مذهبی و هنگامه جوی دوروبر او را گرفته اند. بسیاری از اعضای این جمعیت چنان بکرات لوله تفنگ خود را نشان داده اند که در ترساندن سیاستمداران ایران و مردم تهران، که هرگز شهرت شجاعت و بردلی نداشته اند، خوب موفق شده اند مخصوصاً که قتل سپهبد رزم آرا هم بآنان حق میدهد که بترسند. وجود آدم کشان در پس پرده باعث شد که مجلسین بملی شدن صنعت نفت بافتاق آراء رای دهند. ملیت خواهی شدید و حرارتی که دکتر مصدق از راه تعلیم و تبلیغ میکند با ملیت خواهی مردم لهستان و چک و یونان در قرن نوزدهم که مبتنی بر مرام و مقاصدی عالی بود هیچ مشابهت ندارد. در ایران جز ملاکان رشوه خوار تر و تمند، ستمگری وجود ندارد و بجز چند سالی دردوره جنگ اخیر هیچ دولت بیگانه ای در امر حکومت و ادارات آن مداخله نکرده است^۶. مطبوعات پول بگیر و جبان تهران همه از مصدق پشتیبانی میکنند. مدیران جراید بشرط آنکه پول مصرف کنید عادة حاضرند هر چه بآنها بدهید چاپ کنند^۷ اما اخیراً گلوله تفنگ هواداران مصدق آنها را بر آن داشته است که هم خود را بشهیر شرکت مصروف دارند و بانگلیسها بتازند.

ناظران امور در محل معتقدند که راهی که حکومتهای ایران درین چند هفته اخیر انتخاب کرده و چهار نعل آنرا می پیمایند منتهی بوبرائی ایران است و همین نظم و ترتیب اداراتی که هر چند پس از پایان جنگ کفایتی از خود بروز نداده و ثمری نیآورده اند یکسره از

۱ - کاش نویسنده کلمه «حق» را نیز اضافه میکرد. ۲ - چه اعتقاد معقول و منصفانه ای. ۳ - لطفاً «خواص» را هم بیفزائید. ۴ - هر چه می خواهد دل تنگت بگوی. ۵ - درست برخلاف جناب آقای ساعد مراغی. ۶ - پشتیبان آنها کیست؟ ۷ - بردروغکو لغت. ۸ - رجوع کنید بکتاب مناسبات بین انگلیس و روس تألیف Coates ص ۱۲۴.

بین خواهد رفت^۱. خطرانی را که بجان و مال انگلیسهای محل ممکن است وارد آید نباید سرسری گرفت. در تهران و آبادان با توزیع تقدینه مختصر در میان محصلان مدارس آسان میتوان فتنه و آشوب برانگیخت^۲ و اگر عنان اختیار قوای تأمینیه و سپاه از دست نخست وزیر بدرود چه بسا که معظمترین کارخانه عالم بتل های خاک مبدل گردد^۳.

حتی برای انگلیسهائی که مدتی در ایران بوده اند مشکل است که این بیعقلی ملعت آمیز را باور کنند یا از آن سردر بیاورند. البته صدها بلکه هزاران تن ایرانی باین خط مشی ابلهانه پی برده اند. قریب شصت هفتاد پیشنهاد که غالب آنها معتدل و معقولانه است بعنوان هیأت مطالعه امور نفت رسیده است اما امروز میانه روها از ترس جان بکنار رفته اند. حتی بعضی از تندروها هم باین مطلب برخورد کرده اند که هر گاه نظم و ترتیب فعلی بهم بر آید و هرج و مرج بمیان آید فقط حزب توده از آن بهره مند خواهد شد. این حزب متشکل تعلیم یافته بی تردید میتواند کودتائی بپا کند و زمام امور کشور را بدست بگیرد. اکثریت مردم تهران هم از آن پشتیبانی خواهد کرد چه همگی معتقدند که انواع حکومتها را بحد زنده اند و اگر زمانی هم زمام امور بکف سران توده گذارده شود ضرری عاید نخواهد شد.

صرف نظر از خطرانی که از جانب حزب روس دمیده متوجه کشور است پرواضح است که پیشنهادهای دکتر مصدق از جهت فنی عملی نیست. ایرانیان دستگاه حفر چاه های نفت، تلمبه زنی و لوله کشی را بی مدد خبرگان فنی خارجی پیش از چند روز نمیتوانند بگردانند اما در ظرف چند ساعت تمام آنها را آسان میتوانند ویران سازند. دکتر مصدق در لحظاتی که بحال جنون است راضی است که سیل نفت بدریا سرازیر گردد اگر نتیجه اش این باشد که گریبان ایران از جنگ انگلیس رها گردد^۴. ظاهر ادکتر مصدق فراموش کرده که دستگاه حکومتش بیول شرکت انکادارد. شاید احتیاج مبرم و فوری بدومیلیون پوند در ماهه که شرکت باید پیشکی پردازد و از روی عقل این بار از برداختنش امساک کرده است دگتر را بر سر عقل آورد. اگر این بزرگترین منبع مصرف سرمایه ما و راه بحار انگلیس بمنف از بین برود یا بجزر و زوردست شرکت از آن کوتاه گردد^۵ امتیاز نفت هر نقطه دیگر در شرق میانه بهمین سرنوشت گرفتار خواهد آمد. تولید و فروش نفت دستخوش هوی و هوسهای سیاسی خواهد گشت و در نقشه های اقتصادی و نظامی دنیای غرب اثر عمیق خواهد بخشید چه از جمله مواد خام، نفت حیاتی ترین ماده است. ولو بهمین علت هم باشد امریکا ازین اختلاف متأثر خواهد شد و جای تأسف و نگرانی است که امریکا درین باره بجای تقویت همروی بتضعیف تصمیم انگلیس داشته است.

صرف نظر از اینکه وزارت خارجه امریکا بماهیت احساسات شدیدی که باعث آشفته گی و اضطرابات ملیون خاور میانه است پی نبرده و راه رفع آنرا درست نفهمیده است بسیار جای تأسف است اگر دکتر مصدق دلش باین خوش باشد که چست و چالاک جمعی خبره امریکائی را بخدمت میکیرد تا انشائی را که از دست صاحبان اصلی بیرون

۱ - بجهنم . ۲ - دروغ محض است . ۳ - چه بهتر . ۴ - همه ایرانیان این جنون را دارند . ۵ - ان شاء الله .